



گزارش ویژه جنگ | شماره هفتم

از ویتنام دوم تا شورشی کلیسا علیه کاخ سفید

مقدمه

مه غلیظ در جبهه دشمن؛ وقتی ترک‌ها به پای دیوار رسیدند

با ورود جنگ به فاز «محاصره‌های متقابل» و بن‌بست در مذاکرات اسلام‌آباد، شماره هفتم «گزارش ویژه جنگ» به سراغ عمیق‌ترین لایه‌های بحران در جبهه غربی-صهیونیستی رفته است. در این شماره، بولتن را به دو بخش حیاتی تقسیم کرده ایم:

بخش اول: خارج از بحث (جنگ میم‌ها)

بررسی می‌کنیم که چگونه ایران با استفاده از هوش مصنوعی و فرهنگ دیجیتال، ماشین پروپاگانداي آمریکا را تحقیر کرد و جنگ را به گوشی‌های هوشمند رای دهندگان آمریکایی کشاند.

بخش دوم: پرونده اصلی (بحران بقا)

با تکیه بر تحلیل‌های نیویورکر، نیواستیتسمن، شورای روابط خارجی (CFR) و وایرد، تصویری هولناک از وضعیت واشنگتن ارائه می‌دهیم؛ از مقایسه تاریخی شکست ترامپ با فاجعه ویتنام گرفته تا شورش بی‌سابقه مسیحیان محافظه‌کار علیه ترامپ که او را «ضدمسیح» می‌نامند.

این شماره ثابت می‌کند که ایران نه تنها در میدان سخت، بلکه در لایه‌های فکری، مذهبی و استراتژیک، دشمن را به نقطه «فروپاشی درونی» کشانده است. این نبردی است که در آن، بمب‌های اتمی ترامپ در برابر «میم‌های ایرانی» و «فتواهای اخلاقی جهانی» از کار افتاده‌اند.



تحلیل‌ها و پیشنهادات مندرج در این بولتن، منعکس‌کننده دیدگاه‌های هیچ مرجع یا نهاد رسمی در ایران نمی‌باشد و صرفاً یک «گزارش دیده‌بانی» است که بر اساس پایش مستمر رسانه‌های بین‌المللی و درک شهودی از فضای رسانه‌ای غرب تدوین شده است.

خارج از بحث

در این بخش، به سراغ گزارش‌ها یا مقالاتی می‌رویم که اگرچه مستقیماً با تیترا اصلی این شماره (محاصره دریایی) در ارتباط نیستند، اما به دلیل عمق استراتژیک و تحلیل لایه‌های پنهان بحران، نادیده گرفتن آن‌ها خطایی راهبردی است. این مطالب ممکن است لزوماً «خبر روز» نباشند، اما «روندساز» هستند و تصویری جامع‌تر از آینده نظم منطقه و هزینه‌های بلندمدت جنگ برای جبهه غربی ارائه می‌دهند.

❶ موضوع این شماره، ابزار جدید و غیرمتعارف ایران در نبرد روایت‌هاست؛ یعنی استفاده از «میم‌ها» و هوش مصنوعی برای به زانو درآوردن دستگاه تبلیغاتی کاخ سفید.



22 فروردین 1405

تاریخ انتشار: APR 11 2026

گزارش نشریه فایننشال تایمز (Financial Times) درباره «جنگ میم‌ها» (Meme Warfare)، نشان می‌دهد که چگونه ایران توانسته است حتی در اوج بمباران‌ها، لایه جدیدی از بازدارندگی روانی را در قلب افکار عمومی غرب ایجاد کند.

«میم‌های ایرانی علیه بمب‌های آمریکایی؛ پیروزی در جنگ روایت‌ها» چکیده گزارش:

در حالی که ارتش‌های آمریکا و اسرائیل با پیشرفته‌ترین جنگنده‌ها، زیرساخت‌های فیزیکی ایران را هدف قرار داده‌اند، ارتش سایبری ایران در حال پیروزی در نبردی است که واشنگتن خود را در آن صاحب‌خانه می‌داند: «جنگ نفوذ در فضای مجازی». این گزارش فاش می‌کند که بلافاصله پس از پذیرش آتش‌بس توسط ترامپ، حساب‌های رسمی و غیررسمی ایران با استفاده از زبان مشترک اینترنت (میم‌ها)، عقب‌نشینی او را به یک «تحقیر جهانی» تبدیل کردند. محققان دانشگاه‌های برجسته‌ای نظیر «کلمسون» و «گلداسمیت» بریتانیا معتقدند که برخلاف گذشته، ایران دیگر تنها به بیانیه‌های حماسی داخلی اکتفا نمی‌کند، بلکه با استخدام جوانان «بومی دیجیتال» و مسلط به فرهنگ وب انگلیسی، مستقیماً بدنه رای‌دهندگان ترامپ و افکار عمومی غرب را هدف قرار داده است.

این گزارش تأکید می‌کند که موفقیت ایران در این حوزه ناشی از یک **پارادوکس هوشمندانه** است: در حالی که تبلیغات داخلی ایران لحنی سخت‌گیرانه دارد، خروجی‌های انگلیسی‌زبان آن کاملاً بالحن و سبک خود ترامپ (کنایه آمیز و تهاجمی) طراحی شده‌اند. ایران با استفاده از تولیدات استودیویی پیشرفته مانند «اکسپلوزیو مدیا» و بهره‌گیری از هوش مصنوعی برای ساخت انیمیشن‌های لگویی، ترامپ را در تله «بی‌اعتباری» گرفتار کرده است.

تحلیلگران «شورای آتلانتیک» معتقدند در حالی که آمریکا جنگ را مانند یک «بازی ویدیویی» به طرفدارانش می‌فروشد، ایران در حال «روایت‌گری» برای کل جهان است؛ به گونه‌ای که حتی کسانی که مخاطب مستقیم ایران نیستند، به دلیل جذابیت بصری و طنز گزنده، محتواهای تولیدی تهران را بازنشر می‌کنند.

این توانایی حفظ حضور در شبکه X و تداوم «مسخره کردن دشمن» در اوج بمباران‌ها و حتی زمان آتش‌بس، لایه دوم مقاومت ایران را تشکیل داده است.

نکات کلیدی و داده‌های مهم

پیروزی در تبلیغات

دارن لینویل، مدیر مرکز رسانه‌ای دانشگاه کلمسون، صراحتاً می‌گوید: «هیچ شکی نیست که ایران جنگ پروپاگاندا را برده و دولت ترامپ در موضع تدافعی قرار گرفته است.»

استراتژی TACO

یکی از تم‌های اصلی میم‌های ایرانی، استفاده از کلمه‌ی مخفف TACO به معنای «ترامپ همیشه در لحظه آخر جا می‌زند» (Trump Always Chickens Out) است که مستقیماً بر عقب‌نشینی‌های او در برابر ایران متمرکز است.

شکاف در جبهه داخلی آمریکا

ایران با پیوند دادن جنگ به پرونده‌های جنجالی داخلی آمریکا (مانند پرونده جفری اپستین)، تلاش می‌کند القا کند که ترامپ برای انحراف افکار عمومی از رسوایی‌های شخصی، جنگ را راه انداخته است.

نفوذ دیپلماتیک

حساب‌های سفارتخانه‌های ایران از زیمبابوه تا بریتانیا، به جای لحن سنتی دیپلماتیک، به سبک «میم‌وار» روی آورده‌اند تا توجه نسل جوان جهانی را جلب کنند.

رکورد بازدید نخبگان

پست کنایه‌آمیز محمدباقر قالیباف (رئیس مجلس ایران) در پاسخ به ادعاهای وزیر دفاع آمریکا، بیش از ۲.۶ میلیون بازدید در شبکه X داشته است؛ موفقیتی که ناشی از شکستن کلیشه‌های پروپاگاندا‌ی سنتی است.

هدف‌گیری مخاطبان ضدامپریالیست

ایران با بازخوانی جانیات تاریخی آمریکا علیه سیاه‌پوستان، سرخ‌پوستان و جنگ ویتنام، توانسته است حمایت بخش بزرگی از جریان‌های چپ‌گرای جهانی را در این نبرد جلب کند.



20 فروردین 1405

تاریخ انتشار: APRIL 9, 2026

خبرگزاری آسوشیتدپرس در این گزارش فاش می‌کند که گروه‌های حامی ایران با استفاده از هوش مصنوعی (AI)، در حال تولید محتوای انگلیسی‌زبان بسیار با کیفیتی هستند که هدف آن کنترل روایت جنگ و برانگیختن مخالفت‌های داخلی در آمریکا و اسرائیل است.

«سلاح هوش مصنوعی؛ وقتی ایران قواعد بازی را تغییر داد» چکیده گزارش:

تحلیلگران معتقدند این «جنگ پروپاگاندا» بخشی از راهبرد کلان تهران برای وارد کردن ضربات غیرمستقیم به ایالات متحده است؛ به طوری که با ایجاد نارضایتی عمومی در غرب، واشینگتن را مجبور به عقب‌نشینی و پذیرش آتش بس کنند. نیل لاوی-دراپور، محقق هوش مصنوعی در دانشگاه کمبریج، تأکید می‌کند که هدف ایران «کاشتن بذر نارضایتی» تا حدی است که غرب دیگر توان ادامه هزینه برای جنگ را نداشته باشد.

نکته متمایز این گزارش، اشاره به «بلوغ فرهنگی» محتوای تولیدی ایران است. برخلاف تلاش‌های گذشته که معمولاً به دلیل ضعف زبان یا عدم درک فرهنگی شکست می‌خوردند، محتوای جدید کاملاً به فرهنگ عامه (Pop Culture) آمریکا و تکنیک‌های «ترولینگ» مسلط است. این تصاویر و انیمیشن‌ها مستقیماً روی نقاط ضعف شخصی ترامپ (مانند سن، وضعیت سلامتی و اختلافات در پایگاه رأی MAGA) دست می‌گذارند.

این گزارش به این نتیجه می‌رسد که نظم جهانی در حال تغییر است و ایالات متحده دیگر تنها کشوری نیست که همه به روایت آن گوش می‌دهند.

نکات کلیدی و داده‌های مهم

استراتژی تخریب ادراکی

هدف اصلی این عملیات، «تخریب پرستیژ» مقامات آمریکایی و خسته کردن افکار عمومی غرب از درگیری است.

انیمیشن‌های لگویی

مجموعه‌ای از ویدیوهای حرفه‌ای با سبک فیلم‌های لگو تولید شده که در آن ترامپ به دلیل پرونده‌های شخصی (مانند اپستین) و شکست‌های نظامی مورد تمسخر قرار می‌گیرد.



شکست اسرائیل در بازسازی روایت

حتی تلاش نتانیاهو برای استفاده از هوش مصنوعی جهت سخنرانی به زبان فارسی، نتوانسته تأثیری مشابه محتواهای ایرانی در داخل جوامع غربی داشته باشد.

نظر کارشناس: ایران در «جنگِ ذهن‌ها» باید چه کند؟

با توجه به اعتراف صریح رسانه‌های غربی (FT و AP) به پیروزی ایران در نبردِ روایت‌ها، راهبرد پیشنهادی برای ایران در این حوزه چنین است:

1 تداوم «غیررسمی‌سازی» تولیدات

موفقیت بزرگ ایران ناشی از خروج از لحنِ رسمی و خشکِ صداوسیما و ورود به زبانِ «میم و طنز» است. ایران باید به حمایت غیرمستقیم از گروه‌های خلاق و خودجوش (مانند اخبار انفجاری) ادامه دهد؛ چرا که اعتبار این محتواها در چشم مخاطب غربی، به دلیل «غیردولتی به نظر رسیدن»، چندین برابر بیانیه‌های رسمی است.

2 هدف‌گیری «شکاف‌های طبقاتی و نژادی» در غرب

گزارش‌ها نشان دادند که اشاره به جنایات تاریخی آمریکا علیه بومیان و سیاه‌پوستان، مخاطبان ضدامپریالیست را جذب کرده است. ایران باید در محتواهای خود، هزینه‌های جنگ را با فقر و بحران‌های اجتماعی داخل آمریکا مقایسه کند تا فشار «مالیات‌دهندگان» بر دولت ترامپ افزایش یابد.

3 تثبیت «تحقیر بازدارنده»

وقتی ترامپ در فضای مجازی مورد تمسخر قرار می‌گیرد، قدرتِ ترس‌آفرینی او کاهش می‌یابد. ایران باید از ابزار هوش مصنوعی برای نشان دادن «عجزِ تکنولوژیک آمریکا» در میدان نبرد استفاده کند تا بلوف‌های نظامی دشمن در نطفه خفه شود.

4 تمرکز بر «فرهنگ عامه» به جای «ایدئولوژی»

همان‌طور که کارشناس AP گفت، استفاده از المان‌هایی مثل «لگو» یا «رپ»، نفوذ پیام ایران را تا لایه‌های عمیق خانواده‌های آمریکایی برده است. ایران باید سرمایه‌گذاری بر روی جوانانِ مسلط به زبان و فرهنگِ کشورهای هدف را به عنوان یک «رکنِ دفاعی» در نظر بگیرد.

BOOKS

A LESSON OF VIETNAM:
GETTING IN IS EASIER
THAN GETTING OUT

The war was sustained by a seductive delusion: that an unwinnable conflict might still be managed into an outcome short of humiliation.

By Louis Menand
April 13, 2026



تاریخ انتشار: APRIL 13, 2026

گزارش شماره یک

هنر باختن؛ وقتی تهران برای ترامپ به سایگون تبدیل شد

این مقاله‌ی بسیار عمیق و تأمل برانگیز از نشریه‌ی نیویورکر با مقایسه‌ی تاریخی شکست آمریکا در ویتنام و بن بست فعلی در ایران، از یک حقیقت تلخ برای واشینگتن پرده برمی‌دارد.

درباره منبع (The New Yorker)

نشریه نیویورکر، معتبرترین مجله‌ی فکری و ادبی ایالات متحده است که به دلیل مقالات تحلیلی طولانی و بسیار دقیق (Long-form) شناخته می‌شود. این نشریه نفوذ فوق‌العاده‌ای در میان نخبگان فکری، آکادمیک و سیاست‌گذاران ارشد حزب دموکرات و جریان‌های میانه در آمریکا دارد.

درباره نویسنده (Louis Menand)

لوئیس مناند، نویسنده ثابت نیویورکر و استاد دانشگاه هاروارد است. او برنده جایزه معتبر پولیتزر و مدال ملی علوم انسانی است. مناند به عنوان یکی از برجسته‌ترین مورخان اندیشه و تحلیل‌گران فرهنگی آمریکا شناخته می‌شود که کلامش اعتبار علمی بسیار بالایی در محافل استراتژیک دارد.

چکیده گزارش:

لوئیس مناند در این گزارش که در آوریل ۲۰۲۶ منتشر شده، با رویکردی تاریخی به کالبدشکافی «رؤیای فریبنده» آمریکا در جنگ با ایران می‌پردازد. او استدلال می‌کند که دولت ترامپ دقیقاً در همان تله‌ای افتاد که رؤسای جمهور آمریکا را در ویتنام به کام شکست کشاند: «**توهم مدیریت یک جنگ غیرقابل‌برد**».

نویسنده تأکید می‌کند که ورود به جنگ همواره آسان‌تر از خروج از آن است و اکنون واشینگتن در مرحله‌ای است که تمام گزینه‌های «خروج آبرومندانه» (Off-ramp) را از دست داده است.

نقطه عطف تحلیل مناند اینجاست که می‌گوید در ویتنام، هدف اصلی آمریکا پس از مدتی از «پیروزی» به «اجتناب از تحقیر» تغییر یافت (۷۰ درصد انگیزه جنگ فقط برای حفظ آبرو بود).

او صراحتاً اعتراف می‌کند که در نبرد فعلی با ایران، این فرآیند بسیار سریع‌تر طی شد؛ به طوری که آمریکا تنها دو هفته پس از شروع جنگ فهمید که نمی‌تواند پیروز شود و تمام تلاش خود را صرف این کرد که «چگونه جنگ را تمام کند بدون آنکه بازنده به نظر برسد».

مناند هشدار می‌دهد که حملات هوایی سنگین علیه زیرساخت‌های ایران، برخلاف تصور واشینگتن، مردم را علیه نظام متحدتر کرده و اراده مقاومت را به سطحی رسانده است که آمریکا را در برابر یک «شکست استراتژیک غیرقابل جبران» قرار داده است.

ⓘ Error uploading image.



→ درس ویتنام در ایران

همان طور که در سال ۱۹۷۵ سفارت آمریکا در سایگون در هرج و مرج تخلیه شد، بن بست فعلی در ایران نیز نشان دهنده شکست اطلاعاتی در درک «ساختار قدرت و تاب آوری ملی» در این کشور است.

→ جنگ برای «حفظ ظاهر»

گزارش فاش می کند که جانبداری از جنگ نه به دلیل دستاوردهای نظامی، بلکه صرفاً برای «حفظ پرستیژ ابرقدرتی» است. وقتی جنگ به مرحله «حفظ آبرو» می رسد، یعنی طرف مقابل (ایران) عملاً پیروز شده است.

→ ناکارآمدی تکنولوژی در برابر جغرافیا و اراده

نویسنده تأکید می کند که بمب افکن های B-52 و موشک های پیشرفته نتوانستند جایگزین «فقدان استراتژی خروج» شوند.

نظر کارشناس: ایران در برابر «ابرقدرت نگران از آبرو» چه کند؟



مدیریت «مسیر خروج»

ایران نباید به آمریکا اجازه دهد «با افتخار» از جنگ خارج شود. هرگونه آتش بس یا توافق باید حاوی امتیازاتی باشد که در افکار عمومی جهان به عنوان «عقب نشینی رسمی آمریکا» ثبت شود (مانند پذیرش حق حاکمیت بر تنگه هرمز).



تأکید بر «اتحاد ملی زیر بمباران»

همان طور که مانند اشاره کرد، حملات آمریکا مردم ایران را متحد کرده است. نمایش این اتحاد و بازسازی سریع نمادین زیرساخت ها، به واشینگتن این پیام را می دهد که «بمباران به جای شورش، منجر به تثبیت بیشتر نظام شده است».



تحمیل «هزینه ی پرستیژ»

ایران باید بداند که نقطه ضعف فعلی آمریکا، «ترس از تحقیر شدن» است. ایران باید با استمرار ضربات نقطه ای و هوشمند، آمریکا را در وضعیتی نگه دارد که هر روز ماندنش در جنگ، تحقیر بیشتری برای برند «نظامی گری آمریکا» به همراه داشته باشد.



بهره برداری از شکافِ نخبگان

تحلیل مانند نشان می دهد که نخبگان فکری آمریکا (مانند اساتید هاروارد و نویسندگان نیویورکر) به شدت علیه جنگ هستند. ایران باید با تقویت دیپلماسی عمومی، روایت «جنگ ایران، ویتنام دوم و بزرگتر است» را در جامعه آمریکا تقویت کند.

Donald Trump is WEAK on Catholicism

Despite Maga's proud Catholicism, Trump's Messiah complex is driving him into a Papal feud

By Freddie Hayward

25 فروردین 1405

تاریخ انتشار: APRIL 14, 2026

گزارش شماره دو

سقوط معنوی؛ جنگ ترامپ علیه پاپ

این گزارش از نشریه نیواستیتسمن (New Statesman)، لایه‌ای بسیار عمیق و متفاوت از بحران درونی آمریکا در پی جنگ با ایران را فاش می‌کند: «شکاف مذهبی و اخلاقی». این گزارش نشان می‌دهد که جنگ ترامپ نه تنها اقتصاد و سیاست، بلکه پیوند او با پایگاه مذهبی‌اش و نهاد واتیکان را نیز به لرزه درآورده است.

درباره منبع (New Statesman)

یک نشریه سیاسی-فرهنگی پیشرو در بریتانیا با بیش از یک قرن سابقه. این مجله به تحلیل‌های فکری عمیق و کالبدشکافی لایه‌های پنهان قدرت در غرب شهرت دارد.

درباره نویسنده (Freddie Hayward)

خبرنگار اختصاصی این نشریه در واشینگتن که سوابق فعالیت‌های در جنوب شرق آسیا و اروپا دارد. او متخصص بررسی تقاطع سیاست، مذهب و قدرت در دولت ترامپ است.

چکیده گزارش:

این گزارش به کالبدشکافی درگیری بی‌سابقه میان دونالد ترامپ و پاپ لئو چهاردهم (نخستین پاپ آمریکایی تاریخ) می‌پردازد. نقطه شروع این تنش، محکومیت صریح جنگ علیه ایران توسط پاپ است که اعلام کرده: «عیسی مسیح به دعای کسانی که طبل جنگ می‌کوبند، گوش نمی‌دهد». این اظهارات، ترامپ را که دچار «خود-خداپنداری» است، به واکنشی تند واداشته؛ تا جایی که او پاپ را فردی «ضعیف در برابر جرم» و «بسیار لیبرال» خوانده است.

نکته استراتژیک گزارش، تضاد درونی کاخ سفید است. در حالی که بدنه اصلی تیم ترامپ، از جمله جی دی ونس، مارکو روبیو و رابرت اف کندی جونیور، کاتولیک هستند، دولت ترامپ عملاً وارد یک «جنگ مذهبی» با واتیکان شده است. نویسندگان معتقد است ترامپ کلیسای کاتولیک را نه به عنوان یک نهاد دینی، بلکه به عنوان یک «سازمان جهانی گرای مزاحم» (مانند سازمان ملل) می‌بیند که مانع اهداف جنگی اوست. این گزارش فاش می‌کند که برخی مقامات ترامپ حتی دیپلمات‌های واتیکان را به دلیل مخالفت با جنگ علیه ایران تهدید کرده‌اند. این شکاف مذهبی، لایه جدیدی از «فرسایش قدرت نرم» آمریکا را در میانه جنگ با ایران نشان می‌دهد.

فروپاشی مشروعیت اخلاقی

مخالفت صریح پاپ با جنگ، پوشش «دفاع مشروع» را از عملیات‌های آمریکا برداشته و آن را در چشم میلیون‌ها کاتولیک (حتی در داخل آمریکا) به یک عمل غیراخلاقی تبدیل کرده است.

تضاد در هسته سخت قدرت

حضور کاتولیک‌های تندرو در کابینه ترامپ (مانند تام هومان) که علناً می‌گویند «کلیسا اشتباه می‌کند»، نشان‌دهنده یک بحران هویتی در جبهه متحد ترامپ است.

شکاکیت نخبگان مذهبی

گزارش تأکید می‌کند که نخبگان فکری کاتولیک (تحصیل‌کردگان هاروارد و آکسفورد) که زمانی حامی ترامپ بودند، اکنون به دلیل «خودرأیی و قدرت‌طلبی مطلق» او در حال فاصله گرفتن از جبهه جنگ هستند.

نظر کارشناس: ایران در برابر «ابر قدرت مغضوب کلیسا» چه کند؟

1

بهره‌برداری از «صدای واتیکان»

دستگاه دیپلماسی و رسانه‌ای ایران باید سخنان پاپ درباره «ناشنیده ماندن دعای جنگ‌طلبان» را به صورت گسترده در جوامع کاتولیک (به‌ویژه در آمریکای لاتین و اروپا) بازنشر کند.

3

تعمیق شکاف در کابینه ترامپ

ایران باید با برجسته‌سازی مواضع ضد پاپ مقاماتی مانند «تام هومان» یا «جی‌دی ونس»، آن‌ها را در برابر رأی‌دهندگان مذهبی‌شان قرار دهد. «تحریک عذاب وجدان سیاسی» در میان کاتولیک‌های دولت ترامپ، انسجام اتاق جنگ واشینگتن را سست می‌کند.

2

هدف قرار دادن پایگاه رأی کاتولیک در آمریکا

ایران می‌تواند در تولیدات رسانه‌ای خود به زبان انگلیسی، بر تناقض میان «آموزه‌های مسیح» و «بمباران زیرساخت‌های غیرنظامی» توسط ترامپ تأکید کند.

4

دیپلماسی با نهادهای دینی جهانی

ایران می‌تواند با دعوت از رهبران مذهبی مستقل (حتی مسیحی) برای بازدید از آثار بمباران‌ها، جبهه متحدی از «اخلاق علیه جنگ» بسازد که نادیده گرفتن آن برای واشینگتن غیرممکن باشد.

MAKENA KELLY

DAVID GILBERT

POLITICS APR 13, 2026 1:17 PM

Staunch Trump Supporters Are Now Asking if He's the Antichrist

The Iran war and a series of social media posts, including one depicting Trump as Jesus Christ, have some conservative commentators and fans suspecting the president may be the antichrist.



24 فروردین 1405

تاریخ انتشار: APRIL 13, 2026

گزارش شماره سه

سقوط یک قدیس!

تحلیل این گزارش تکان دهنده از مجله وایرد (WIRED) نشان دهنده وقوع یک «انفجار درونی» در پایگاه اجتماعی ترامپ است؛ جایی که حامیان سرسخت او، رفتار وی در جنگ ایران را نشانه‌ای از «ضد مسیح» (Antichrist) بودن او می‌دانند.

درباره منبع (WIRED)

مجله وایرد، یکی از معتبرترین نشریات دنیا در حوزه تکنولوژی، فرهنگ و سیاست دیجیتال است. گزارش‌های این نشریه به دلیل دقت در تحلیل رفتارهای فضای مجازی و تأثیر تکنولوژی (مانند هوش مصنوعی) بر توده‌ها، مرجع نخبگان دنیای مدرن محسوب می‌شود.

درباره نویسنده (Makena Kelly)



خبرنگار ارشد حوزه سیاست در وایرد که تخصص ویژه‌ای در بررسی نحوه استفاده سیاستمداران از شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر افکار عمومی آمریکا دارد.

چکیده گزارش:

این گزارش فاش می‌کند که در عرض چند روز، چهره‌های رسانه‌ای جنبش MAGA (طرفداران ترامپ) از مدافعان سرسخت او به عنوان «رئیس جمهور برگزیده خدا»، به منتقدان هراسانی تبدیل شده‌اند که می‌پرسند: آیا ترامپ همان ضد مسیح (Antichrist) است؟

نقاط کلیدی گزارش

پیام عجیب عید پاک

ترامپ در روز عید پاک (Easter) پیامی حاوی تهدید به نابودی زیرساخت‌های ایران منتشر کرد که در انتهای آن از عبارت «Praise be to Allah» (الحمد لله) استفاده کرده بود. این تناقض میان تهدید به کشتار و استفاده از واژگان اسلامی، طرفداران مذهبی او را به مرز جنون و سوءظن کشانده است.

کفرگویی دیجیتالی

انتشار تصویر ساخته شده با هوش مصنوعی که در آن ترامپ در هیبت عیسی مسیح (ع) در حال شفای بیماران است، موجی از خشم را در میان مسیحیان محافظه کار برانگیخته است. مارجوری تیلور گرین صراحتاً گفت: «این فراتر از کفرگویی است؛ این روح ضد مسیح است.»

قمار بر سر رأی کاتولیک‌ها

۶۰ درصد کاتولیک‌های سفیدپوست آمریکا همواره به ترامپ رأی داده‌اند. اما درگیری علنی او با پاپ لئو چهاردهم و تهدید واتیکان (اشاره به اسارت آوینیون)، این پایگاه رأی حیاتی را در آستانه انتخابات میان دوره در معرض فروپاشی قرار داده است.

هشدار تا کر کارلسون

چهره محبوب راست گرایان در یک برنامه ۴۳ دقیقه‌ای تأکید کرد که جنگ ترامپ علیه ایران، در واقع «جنگ علیه ایمان مسیحی» است. بسیاری از مخاطبان او این سخنان را به عنوان سیگنالی برای ضد مسیح بودن ترامپ تفسیر کردند.

فروپاشی انسجام ایدئولوژیک

جنگ با ایران به جای متحد کردن جبهه راست در آمریکا، باعث ایجاد یک «شقاق مذهبی» عمیق شده است. ترامپ دیگر در چشم پایگاه رأی خود یک «مصلح» نیست، بلکه یک «یاغی متوهم» دیده می‌شود.

تله «خودخداپنداری»

گزارش نشان می‌دهد که ترامپ درگیر «کمپلکس مسیح» شده و این موضوع بازدارندگی سیاسی او را در داخل نابود کرده است.

فرصت «دفع حداکثری»

ریزش حامیان مذهبی ترامپ به دلیل جنگ ایران، به این معناست که او در برابر هرگونه فشار سیاسی داخلی برای توقف جنگ، به شدت ضعیف شده است.

نظر کارشناس: ایران در برابر «بحران هویت دشمن» چه کند؟

گزارش وایرد نشان می‌دهد که «دین و اخلاق» به پاشنه آشیل جدید ترامپ تبدیل شده است. راهبرد پیشنهادی برای ایران:

1

برجسته‌سازی «کفرگویی‌های ترامپ» برای مخاطب غربی

ایران باید در رسانه‌های انگلیسی‌زبان خود، تضاد میان ادعاهای مذهبی ترامپ و جنایات جنگی او در بمباران‌ها را برجسته کند. بازنشر نگرانی‌های کشیش‌های آمریکایی درباره «روح ضد مسیح در کاخ سفید» می‌تواند شورش کلیساها علیه ترامپ را تسریع کند.

2

استفاده از عبارت «Praise be to Allah» علیه او

ایران باید این حرکت ترامپ را به عنوان «تمسخر ادیان توحیدی» و «بی‌ثباتی روانی» او بازنمایی کند تا همزمان مسیحیان و مسلمانان جهان علیه لجابت او در جنگ متحد شوند.

3

تحریک «عذاب وجدان سیاسی» در ارتش

بسیاری از بدنه ارتش آمریکا مذهبی هستند. تأکید بر اینکه «این جنگ، جنگ مسیح نیست، بلکه جنون شخصی ترامپ است»، می‌تواند منجر به تمرد یا کاهش انگیزه در سطوح عملیاتی دشمن شود.

4

دیپلماسی فعال با نهادهای مسیحی معترض

ایران می‌تواند با ارسال پیام‌های صلح‌طلبانه خطاب به واتیکان و کلیساهای پروتستان آمریکا، خود را «طرف عاقل و حافظ ارزش‌های انسانی» و ترامپ را «ویرانگر تمدن و ایمان» معرفی کند.

EXPERT TAKE IRAN

Coercing Iran: Why Trump's Hormuz Blockade Has a Short Fuse

The Trump administration has declared a naval blockade of the Strait of Hormuz, betting that Iran will buckle under economic pressure before the global energy crisis forces the United States to back down. The outcome of this standoff is far from certain.



U.S. President Donald Trump walks to board Air Force One on his way to Virginia, at Joint Base Andrews in Maryland, on April 10, 2020. Evelyn Hockstein/Reuters

PUBLISHED
April 14, 2026 7:00 a.m.

EXPERTS



By Max Boot
Jeanne J. Kirkpatrick Senior Fellow for National
Security Studies

25 فروردین 1405

تاریخ انتشار: APRIL 14, 2026

گزارش شماره چهار

دوئل محاصره‌ها؛ چه کسی زودتر پلک می‌زند؟

این گزارش از اندیشکده شورای روابط خارجی (CFR) به قلم مکس بوت، یکی از باسابقه‌ترین تحلیلگران استراتژیک آمریکا، به کالبدشکافی «قمار محاصره» و تضاد تاب‌آوری میان ایران و آمریکا می‌پردازد.

درباره منبع (شورای روابط خارجی)

شورای روابط خارجی، بانفوذترین اندیشکده سیاست خارجی در ایالات متحده و بازوی فکری جریان اصلی قدرت (Establishment) در واشنگتن است. تحلیل‌های CFR مستقیماً توسط سناتورها، مدیران ارشد پنتاگون و دیپلمات‌های برجسته برای تصمیم‌گیری‌های کلان مطالعه می‌شود.

درباره نویسنده



مکس بوت پژوهشگر ارشد مطالعات امنیت ملی در CFR و یکی از استراتژیست‌های شناخته‌شده نظامی است. او که سابقه مشاوره به فرماندهان نظامی آمریکا را دارد، در این گزارش با نگاهی واقع‌گرایانه و انتقادی به بررسی بن‌بست جدید ترامپ پرداخته است.

چکیده گزارش:

مکس بوت در این تحلیل که در ۱۴ آوریل ۲۰۲۶ منتشر شده، اعلام محاصره دریایی ایران توسط ترامپ را یک «قمار پرخطر با فیوز کوتاه» توصیف می‌کند. او معتقد است پس از شکست مذاکرات اسلام‌آباد (که توسط تیم بی‌تجربه جی‌دی ونس اداره می‌شد)، ترامپ به این نتیجه رسیده که اگر ایران تنگه هرمز را به روی جهان ببندد، آمریکا نیز باید بنادر ایران را به روی خودش ببندد.

نکات کلیدی و اعترافات مکس بوت

سود ایران از جنگ

بوت فاش می‌کند که ایران تا این لحظه از جنگ نفع مالی برده است؛ زیرا قیمت نفت بالا رفته و ترامپ برای جلوگیری از انفجار قیمت‌ها، مجبور شده بود تحریم‌های نفتی ایران را نادیده بگیرد. محاصره فعلی تلاشی برای قطع این «درآمد جنگی» است.

دروغ «نابودی توان ایران»

در حالی که ترامپ مدعی نابودی ارتش ایران است، مکس بوت به نقل از منابع اطلاعاتی و CNN تأکید می‌کند که سپاه پاسداران همچنان نیمی از ناوگان تندرو، نیمی از پرتابگرهای موشکی و هزاران پهپاد خود را در اختیار دارد.

تله چین

۹۰ درصد نفت ایران به چین می‌رود. مکس بوت می‌پرسد: آیا ترامپ جرأت دارد در آستانه دیدار با شی جین‌پینگ، نفتکش‌های چینی را متوقف کند؟ اگر چنین کند، با پکن وارد جنگ می‌شود و اگر نکند، محاصره عملاً بی‌معناست.

تضاد تاب‌آوری (پاشنه آشیل آمریکا)

ایران به عنوان یک «نظام مقتدر» نشان داده می‌تواند سال‌ها تحریم و فشار را تاب بیاورد، اما آمریکا یک «دموکراسی حساس به قیمت بنزین» است. تورم و بنزین گران، شانس جمهوری خواهان را در انتخابات میان‌دوره به شدت تهدید می‌کند. ترامپ در یک «تله زمانی» است و نمی‌تواند این فشار اقتصادی را طولانی کند.

خلاصه راهبردی و کاربردی

محاصره به مثابه «اعلان جنگ»

طبق قوانین بین‌الملل، محاصره دریایی یک اقدام جنگی است. ایران می‌تواند هر لحظه به صورت قانونی علیه ناوگان آمریکا یا زیرساخت‌های انرژی متحدانش دست به تلافی بزند.

اهرم باب‌المنذب

ماکس بوت هشدار می‌دهد که متحدان ایران (انصارالله یمن) می‌توانند با بستن باب‌المنذب، مسیر جایگزین عربستان (دریای سرخ) را نیز مسدود کنند و جهان را به فاجعه بکشانند.

بن‌بست «اولتیماتوم»

ترامپ هفته گذشته تهدید به «نابودی تمدن ایران» کرد، اما در عمل عقب‌نشینی کرد؛ این نشان می‌دهد که او از «تلافی فاجعه‌بار ایران» علیه کشورهای خلیج فارس می‌ترسد.

نظر کارشناس: ایران در «جنگِ اراده‌ها» چه کند؟

بر اساس تحلیل این استراتژیست آمریکایی، راهبرد پیشنهادی برای ایران به شرح زیر است:

1 استفاده از «ساعتِ انتخابات» آمریکا

ایران باید بداند که ترامپ فرصت زیادی ندارد. ایران باید نبرد را به سمتِ «فرسایشِ اقتصادی» ببرد. هر روزی که محاصره ادامه یابد، قیمت بنزین در آمریکا بالاتر می‌رود و ترامپ به «نقطه چرخش» (U-turn) نزدیک‌تر می‌شود.

2 تقویت «سپرِ چینی»

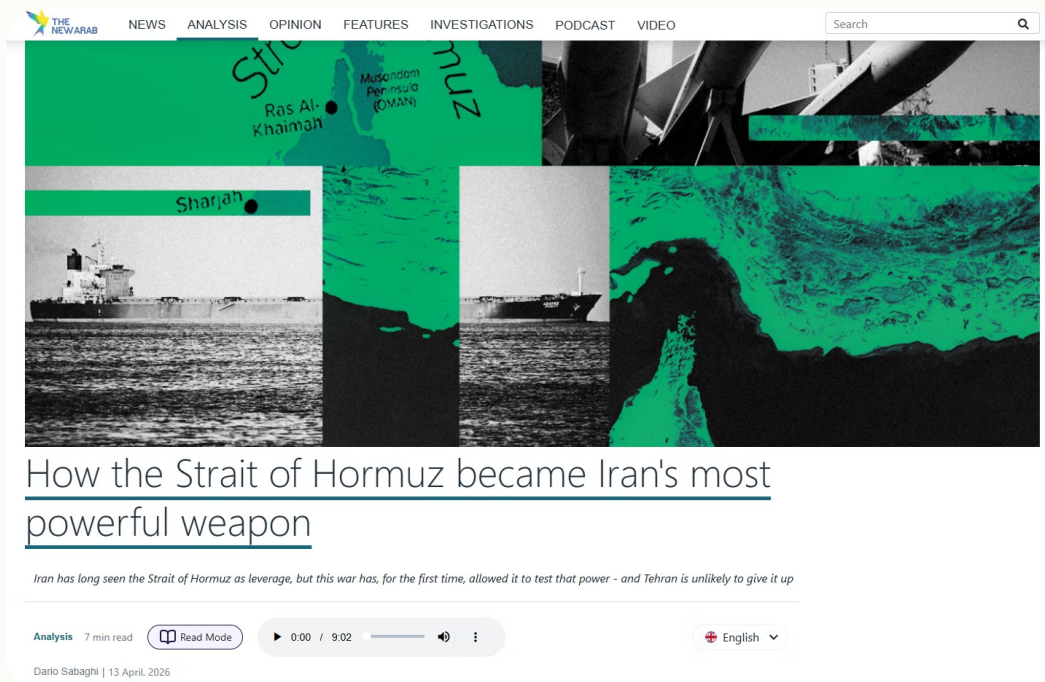
ایران باید با هماهنگی کامل با پکن، تانکرهای حامل نفت خود را تحت پوشش دیپلماتیک یا اسکورت غیررسمی قرار دهد. ترامپ توانِ باز کردنِ جبهه جدید نظامی با چین را ندارد و این بهترین راه برای شکستنِ ابهتِ محاصره است.

3 نمایش «توانِ پنهانِ سپاه»

همان‌طور که مکس بوت اعتراف کرد، نیمی از توان دریایی و موشکی سپاه دست‌نخورده است. ایران باید با انجام مانورهای محدود اما هوشمند، به واشینگتن یادآوری کند که «هدف‌های ثابتِ انرژی» در کل منطقه هنوز در دسترس هستند.

4 حفظ «ابهامِ مین‌گذاری»

ادعای ایران مبنی بر اینکه «نمی‌دانیم مین‌ها کجا هستند»، یک ابزار فشار عالی است. ایران نباید امنیتِ تنگه را تضمین کند تا زمانی که آمریکا «حقِ کاملِ غنی‌سازی و حاکمیت بر هرمز» را به صورت دائمی نپذیرد.



24 فروردین 1405

تاریخ انتشار: APRIL 13, 2026

گزارش شماره پنج

هرمز؛ ارزشمندتر از برنامه هسته‌ای

این گزارش از نشریه دنیای عرب (The New Arab)، تحلیلی بسیار دقیق درباره تبدیل شدن «تنگه هرمز» به برترین سلاح راهبردی ایران در میز مذاکره ارائه می‌دهد. این گزارش نشان می‌دهد که چگونه تهران برای نخستین بار، قدرت نظری خود بر این آبراه را در عمل آزموده و به نتایج فراتر از انتظار دست یافته است.

درباره منبع (The New Arab)

این رسانه که در لندن مستقر است، یکی از منابع معتبر خبری و تحلیلی در حوزه جهان عرب و خاورمیانه محسوب می‌شود. رویکرد این نشریه معمولاً بر تحلیل‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی متمرکز است و صدای جریان‌های فکری منطقه‌ای را به گوش مخاطبان جهانی می‌رساند.

درباره نویسنده (Dario Sabaghi)



روزنامه‌نگار و تحلیلگر مستقل با تخصص ویژه در حوزه انرژی و سیاست‌های خاورمیانه. او در این گزارش با چندین کارشناس برجسته از اندیشکده‌های جهانی گفتگو کرده است.

چکیده گزارش:

این گزارش فاش می‌کند که پس از ۲۱ ساعت مذاکرات فشرده و بی‌نتیجه در اسلام‌آباد، مشخص شد که «تنگه هرمز» اکنون به مرکز ثقل قدرت ایران تبدیل شده است. رضا اکبری (مدیر برنامه خاورمیانه در مؤسسه گزارش جنگ و صلح) معتقد است که امروز ارزش تنگه هرمز در میز مذاکره، از برنامه هسته‌ای، توان موشکی و حتی شبکه نیروهای نیابتی ایران نیز بیشتر است.

نکات کلیدی گزارش

پیوند هرمز به لبنان

ایران بازگشایی کامل تنگه را به توقف جنگ اسرائیل علیه حزب الله مشروط کرده است؛ اقدامی که نشان دهنده استفاده هوشمندانه از اهرم اقتصادی برای حل بحران های نظامی در جبهه های دیگر است.

درآمد «حق عبور» (Transit Fees)

گزارش فاش می کند که ایران عملاً در حال دریافت عوارض غیررسمی تا سقف ۲ میلیون دلار به ازای هر کشتی (بسته به نوع بار و نفت) است. علی واعظ می گوید از آنجا که صنایع صادراتی ایران در جنگ آسیب دیده اند، تهران هرمز را به عنوان «منبع درآمد حیاتی برای بازسازی» می بیند.

شکست تلاش های مین رویی آمریکا

در حالی که سنتکام دو ناوشکن را برای پاکسازی مین ها فرستاده، نیروی دریایی سپاه با هشدار مستقیم مانع عملیات آن ها شده و حضور هرگونه شناور نظامی بیگانه را نقض آتش بس اعلام کرده است.

خلاصه راهبردی و کاربردی

تله «اخاذی» یا «حق قانونی»

در حالی که ترامپ اقدامات ایران را «اخاذی» می نامد، ایران در حال تثبیت قانونی این عوارض از طریق مصوبات مجلس است تا آن را به یک «نرم حقوقی» تبدیل کند.

تابوشکنی نظامی

آمریکا و اسرائیل با حمله مستقیم به خاک ایران، یک تابوی قدیمی را شکستند؛ در مقابل، ایران نیز با محدود کردن عبور و مرور در تنگه هرمز، اهرمی را فعال کرد که واشینگتن نمی تواند بدون درگیر شدن در یک جنگ بی پایان، آن را خنثی کند.

تغییر موازنه بازدارندگی

عبدالرسول دیوسالار تأکید می کند که این جنگ، کارایی استراتژی دریایی ایران را در عمل ثابت کرد. ایران نشان داد که می تواند ۲۰ درصد انرژی جهان را گروگان بگیرد و آمریکا راه حلی برای آن ندارد.

نظر کارشناس: ایران در نبرد «گلوگاه انرژی» چه کند؟

بر اساس داده‌های نشریه «دنیای عرب»، راهبرد پیشنهادی برای ایران در این مرحله حساس:

1 ادغام دائمی جبهه لبنان و هرمز

ایران باید بر شرط «امنیت هرمز در برابر امنیت لبنان» پافشاری کند. این کار باعث می‌شود فشار شرکت‌های کشتیرانی جهانی بر اسرائیل متمرکز شود تا حملات به جنوب لبنان را متوقف کند.

2 تثبیت «نظام تعرفه‌ای»

ایران باید دریافت عوارض را از حالت «غیررسمی» به یک «ساختار گمرکی شفاف و الکترونیک» تبدیل کند. وقتی شرکت‌های بزرگ (مانند توتال یا اکسون موبیل) شروع به پرداخت منظم این مبالغ کنند، عملاً حاکمیت ایران بر تنگه را به رسمیت شناخته‌اند و بازگشت به عقب برای آمریکا غیرممکن می‌شود.

3 استفاده از «هراس بازسازی»

ایران باید به طرف‌های غربی بفهماند که هزینه بازسازی زیرساخت‌هایش را از جیب نفتکش‌های آنها تأمین خواهد کرد. این پیام، انگیزه آمریکا برای آسیب زدن بیشتر به صنایع ایران را کاهش می‌دهد، چون می‌دانند جریمه‌اش را در تنگه هرمز پرداخت خواهند کرد.

4 دیپلماسی با شورای همکاری خلیج فارس (GCC)

همان‌طور که علی‌واغظ پیشنهاد داد، ایران باید یک چارچوب مذاکراتی مستقیم با کشورهای عربی (بدون حضور آمریکا) برای مدیریت تنگه تعریف کند. این کار لزوم حضور نظامی آمریکا را از بین برده و واشینگتن را در منطقه بی‌مصرف می‌کند.

جمع‌بندی نهایی: «عبور از میدان سخت؛ فروپاشی در لایه‌های پنهان»

تحلیل جامع داده‌های این شماره نشان می‌دهد که نبرد میان ایران و جبهه غربی-صهیونیستی از فاز «تخریب فیزیکی» عبور کرده و به فاز «فروپاشی تمدنی و هویتی» برای آمریکا رسیده است. در حالی که بمباران‌های دشمن به دنبال شکستن اراده ملی ایران بود، اکنون شاهد آن هستیم که اراده ملی و ثبات سیاسی در داخل ایالات متحده به لرزه درآمده است.

برتری در جنگ شناختی (میم علیه بمب)

اعتراف رسانه‌های غربی (فایننشال تایمز و آسوشیتدپرس) به پیروزی ایران در نبرد روایت‌ها، نشان‌دهنده یک جهش استراتژیک است. ایران موفق شده با ابزار هوش مصنوعی و زبان طنز، «ابهت ابرقدرتی» آمریکا را در ذهن جوانان غربی ویران کند. این «تحقیر بازدارنده»، کارایی ماشین جنگی ترامپ را در افکار عمومی به حداقل رسانده است.

تکرار کابوس ویتنام

تحلیل نخبگان فکری آمریکا (نیویورکر) ثابت می‌کند که واشینگتن در تله‌ی «حفظ آبرو» گرفتار شده است. هر روز ماندن آمریکا در این جنگ، هزینه‌ی خروج را برای آن‌ها بالاتر می‌برد. ایران باید با هوشمندی، مسیر خروج آمریکا را تنها از دلانی بگذراند که به معنای پذیرش «نظم جدید ایرانی» در منطقه باشد.

گسل مذهبی؛ پاشنه آشیل جدید

شورش کلیسا و پایگاه رأی مذهبی علیه ترامپ (گزارش وایرد و نیواستیتسمن)، نشان‌دهنده فروپاشی «انسجام داخلی» دشمن است. وقتی حامیان ترامپ او را «ضدمسیح» می‌نامند، یعنی مشروعیت اخلاقی لازم برای ادامه‌ی یک جنگ طولانی‌مدت در واشینگتن از بین رفته است.

هرمز؛ ماشه‌ی سرنوشت‌ساز

گزارش‌های اقتصادی (CFR و نیو عرب) تأکید دارند که ایران با تبدیل کردن تنگه هرمز به «صندوق بازسازی کشور»، عملاً آمریکا را در یک بن‌بست مالی قرار داده است. درآمد ۲ میلیون دلاری از هر کشتی، یعنی ایران راهی برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها در دل میدان جنگ یافته است.

نتیجه‌گیری راهبردی

دشمن، از «فقدان منطق» و «بحران هویت» خود آسیب دیده است. راهبرد پیروزی در این مقطع، تداوم «پایداری هوشمندانه» است. ایران باید همزمان با حفظ اقتدار دریایی در هرمز، نبرد را در «صفحات نمایش» و «قلب کلیساهای غربی» ادامه دهد. هرچه شکاف میان ترامپ و پاپ، یا ترامپ و وال استریت عمیق‌تر شود، احتمال پیروزی قطعی ایران بدون نیاز به شلیک‌های سنگین‌تر افزایش می‌یابد.